

## اسلام و خانواده

### بقلم دکتر محمد غفرانی

فرزندان رکن سومی را در خانواده تشکیل می‌دهند که رعایت حقوق شرعی و اخلاقی آنان یکی از وظائف مهم و سنگینی است که بعهده پدر و مادر نهاده شده است و هرگونه اهمال در تربیت آنان لطمه‌ای است که برپیکر جامعه وارد می‌سازد و دوران کودکی بهترین ایام تعلیم و تربیت است که شارع مقدس اسلام پدران و مادران را بدان تشویق و تحریض می‌نماید و از آنجا که خانواده یکی از واحدهای مهم جامعه بشمار می‌آید هم خود را به پرورش صحیح کودک معطوف داشته و در هر مرحله از مراحل تکامل روحی طفل دستوراتی سودمند و ثمربخش داده که بررسی هریک از آنها نیازی به بررسی و تحقیق جداگانه دارد و ما در این گفتار تنها به اصول تربیت کودک و رعایت حقوق آن در کانون خانواده اکتفا می‌کنیم. باشد که پدران و مادران و مربیان کودکان بیش از پیش با اصول تعلیم و تربیت کودک آشنا شوند، باشد تا به پیروی از دستورات رهبر بزرگ اسلام در زمینه تربیت که فرمود «ادب‌بنی ربی و احسن تادیب» وظیفه خود را بعنوان یک حق مشروع درباره فرزندان و جگر گوشگان خود انجام دهند از آن لحظه که کودک پا بعرصه هستی می‌گذارد تا بهنگامیکه شخصیت اجتماعی آن صورت تکامل می‌پذیرد.

بنیان خانواده از نظر اسلام بر اساس عزت نفس و خویش‌شناسی و عفاف و پاکدامنی بی‌ریزی شده است و چون به سیرت بزرگان اسلام نظر افکنیم زندگانی آنانرا از خصائص برجسته انسانی و فضائل اخلاقی مشحون و مالا مال می‌یابیم که همه این صفات عالیه انسانی سرهون پرورشی است که در دامن پرمهر و محبت و در کنف حمایت بی‌دریغ پدر صورت گرفته است اینجا است که وظیفه پدر و مادر در رعایت حقوق فرزند بشکلی جدی تجلی می‌نماید بدین معنی که فرزند در خانواده یک رکن از ارکان آن است و هرگونه اهمال یا غفلت در

حقوق آن، لطمه‌ای است جبران‌ناپذیر که برپیکر جامعه فردا وارد می‌آید چه این کودکان، مردان جامعه آینده هستند و باید برای پذیرش مسؤولیتهای فردی و اجتماعی آماده شوند و بدیهی است کسه‌کانون خانواده، نخستین نقش سازندگی در شخصیت کودک را بعهده دارد و از همین جهت است که اسلام به تربیت کودک حتی در دوران شیرخوارگی اهمیت بسیار قائل است و احادیثی در این زمینه از رسول اکرم و ائمه هداة روایت شده که همه آنها نمایشگر و گویای این حقیقت می‌باشد از امام جعفر صادق در باب رضاع (شیرخوارگی) روایت شده است چنانچه مادری بعلی‌قادر به دادن شیر به نوزاد خود نبود و ناگریر از آن شدند که طفل شیرخوار را به دایه بسپارند شایسته است که درباره اخلاق و صفات نفسانی وی غور و تفحص کنند و حتی خوشروئی و زیبایی چهره را نیز نادیده نگیرند چه شیردرصفت روحی و جسمی کودک اثر می‌گذارد [آن‌الولدیشب علی‌اللبین] و این مسأله امروز از نظر روان پزشکی اسری قاطع و مسلم تلقی و پذیرفته شده و نیز از رسول اکرم روایت شده است که در نهاد کودک بحکم فطرت و سرشت، فضائل انسانی بودیعت نهاده شده است و برپدر و مادر است که این صفات پسندیده را از طریق تربیت از قوه بفعل درآورند [کل مولود یولد علی الفطرة و انما ابواه یهودانه و اینصرا نه] از این مقدمه می‌توان چنین نتیجه گرفت کسه روش باری بهرجهت و بی‌تفاوتی در برابر تربیت کودک از نظر اسلام محکوم و مذموم است و هیچ عاملی نمی‌تواند مجوز برای قصور و غفلت والدین در تربیت کودک باشد و از همه سهمتر همانگونه که روان‌پزشکی معتقد است کودک باید از محبت و عاطفه کاملاً اشباع گردد تا بصورت عقده و کمبود در شخصیت اجتماعی او بروز و جلوه نکند و نقش مادر در تغذیه روح کودک بعاطفه و محبت کاملاً محسوس می‌گردد بطوریکه هیچ عامل مادی و معنوی نمی‌تواند جایگزین مهر و محبت مادری گردد و هیچ آغوشی بمشابه آغوش گرم مادری نیست، علم روان‌پزشکی در مورد تأثیر عاطفه مادر در کودک و انعکاس آن در تکوین شخصیت کودک، مطالبی شگفت‌انگیز دارد از آنجمله بمادری که از دادن شیرخود بکودکش معذور است توصیه می‌کند که بهنگام شیردادن طفل سعی کند که او را در آغوش گیرد آنگونه که بخواهد از پستان خود باو شیر دهد چه کودک شیرخوار، برخوردار از عاطفه مادر را احساس می‌کند هرچند نتواند آنرا بازگو کند چه رسد به کودکان رشدیافته و در سنین تکوین شخصیت که اسری بسیار حساس و خطیر است و متأسفانه ندانسته باین شخصیت نواخته در حال رشد توجهی نمی‌شود بلکه بالعکس در برخی از خانواده‌ها مسأله توجه به خواسته‌های کودک، در مرحله دوم از اهمیت مسائل زندگی قرار گرفته است و همین غفلت و عدم توجه است که شخصیت کودک آنگونه که باید رشد نکرده و در سنین بالاتر باشکال مختلف از ستیزگی گرفته تا سرخوردگی متجلی و نمودار می‌گردد و زنهار که بهنگام بحث و گفتگو در مسائل زندگی وجود کودکان را ناچیز پنداریم و بدانها بی‌اعتنا باشیم زیرا در

صفحه ذهن کودک کلیه انفعالات روحی پدر و مادر و سایر بستگان چون دوربین عکاسی نقش می‌بندد هرچند بظاهر هماهنگی نشان نمی‌دهد لذا پدران و مادران باید از هرگونه رفتار و گفتار ناهنجار در برابر فرزندان خود اجتناب ورزند و نیز باطرد کودک از مجلس گفتگو بصورت زننده که متأسفانه معمول اغلب خانواده‌ها است پرهیز کنند و بدانند که اینگونه اعمال ناشایست در روحیه کودک اثرات بسیار نامطلوب بجای می‌گذارد و چه خوشبخت و کامیاب خانواده‌ای است که دستورات رهبر بزرگ اسلام را در تربیت فرزندان خود بکار بندد تا بتواند عناصری سلیم النفس و وارسته و دور از هرگونه ناملایمات روحی و مفسد اخلاقی به جامعه تحویل دهد و بسیار بجا است که در پایان این گفتار به چند حدیث شریف اشارت رود باشد که مضامین عالیّه آن سرمشق پدران و مادران و مربیان در تربیت فرزندان و نونهالان جامعه قرار گیرد .

الف - «فی وصیة النبی صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام حیث قال یا علی حق الولد علی والده أن یحسن اسمه وأدبه و یضعه موضعاً صالحاً» .

یا علی حق فرزند بر پدر آن است که او را نیکو نام نهد و نیکو تربیت کند و بر مرتبتی که شایسته و پسندیده است بنشانند .

ب - و نیز در حدیث دیگر آمده است «قال رسول الله صلی الله علیه وآله حق الولد علی والده ان یتحسّن اسمه و یعلّمه کتاب الله و یدرّبه علی الرمی و السباحة» .

پیامبر اسلام فرمود حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو برای او برگزیند و کتاب آسمانی را (قرآن) با او بیاموزد و او را با سوختن شنا و تیراندازی تشویق و ترغیب کند . در این حدیث شریف به سه اصل مهم در تربیت فرزند اشاره شده است :

۱ - نامگذاری طفل که خود نقش مهمی در شخصیت کودک در سنین جوانی دارد و برآستی در گذشته بسیار نزدیک خانواده‌هائی را مشاهده می‌کردیم که برای نامگذاری طفل نوزاد مراسمی برپا می‌داشتند و شتاب زده و بی‌تأمل نامی برای فرزندان خود آنهم در کریدر زایشگاه که تا حدی دید دورنگری را از اطرافیان سلب کرده‌است، انتخاب نمی‌کردند که در بزرگی بصورت مشکل روانی درآید و چه بسا افراد دیده‌ایم که بمنظور رعایت پرستی‌خیز حیثیت اجتماعی خود مجبور شده‌اند که یا نام خود را تغییر داده و یا اسم مستعاری برای خود بسرگزینند و از این نوع افراد نمونه‌های بسیار سراغ داریم که نیازی به آوردن مثال نیست و همین خانواده‌های سنتی ایرانی بودند که بهنگام نامگذاری نوزاد از پدر بزرگ و پسا سرپرست خانواده میخواستند که برای فرزند نوزادشان نامی برگزیند و پس از مشورت و تبادل نظر چند اسم انتخاب می‌شد و سپس هریک را بر روی قطعه کاغذی می‌نوشتند و از باب تبرک و تیمن در میان کلام الله مجید می‌نهادند آنگاه کودکی از میان همان خانواده یکی از آن قطعات کاغذ را بصورت تفائل و قرعه برمی‌گرفت و با تشریفات باشکوهی آن نام برای نوزاد تعیین می‌شد و در حقیقت این سنت پسندیده که خود زائیده ذوق ایرانی است وابستگی خانواده را از یکسو و علاقمندی و احترام به شخصیت کودک را از سوی دیگر که خود در روحیه



سایر کودکان اثری بسیار مطلوب داشت تقویت و تحکیم می بخشید .

۲ - آموزش کتاب آسمانی که خود منبع جمیع معارف انسانی است نشانگر آن است که پدر باید وظیفه خود را نسبت به تعلیم و تربیت فرزندش ادا نماید و چنانچه در این راه قصور و اهمال ورزد از فرمان حق تعالی سرپیچی کرده و مرتکب گناهی بزرگ گردیده است و اینکه این سؤال پیش می آید که ما خانواده ها این وظیفه شرعی را چگونه که شایسته و بایسته است انجام می دهیم !؟

۳ - اصل سوم مربوط به تربیت جسمی و آماده ساختن کودک جهت تقبل مسؤولیتهای اجتماعی آینده است آری آسوختن آئین رزم که در آن دوران در شناوری و تیراندازی مصداق پیدا می کرده چه نیکو دستوری است برای خانواده های مسلمان که باید فرزندان خود را بانیریوی معنوی و مادی مجهز گردانند چه رزمجوئی و باصطلاح امروز ما سربازی ضامن بقا و موجودیت هرملتی است که بدون آن نمی تواند سنن و آداب و فضائل اخلاقی و سواریت ملی خود را ازگزند دستبرد اهریمنان و نگهداری کند و بتواند در بین سایر اقوام و ملل سربلند و شرافتمندانه زندگی کند.

ح - از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود «اگر موأولادکم و أحسنوا أدبهم یغفرلکم» فرزندان خود را گرامی بدارید و آنانرا نیکو تربیت کنید رستگار و آرزیده می شوید .

د - حضرت رسول اکرم در مقام تشویق و ترغیب پدران بابرآز محبت نسبت بفرزندان خود می فرماید «من قبل ولده کتب الله له حسنه» هرپدری که بررخسار فرزندش بوسه زند

خداوند این بوسه را بمثابة حسنه از او بپذیرد .

۵ - و در حدیثی دیگر نیز فرماید «اکثروا من قبله اولادکم فان لکم بكل قبله درجه فی الجنة» .

فرزندان خود را بسیار ببوسید که به هر بوسه شما را منزلتی در بهشت خواهد بود .  
ونکته شایان توجه آنکه رسول اکرم بابر از محبت و عاطفه پدر رنگ عبادت و پرستش  
ایزد یکتا بخشیده است تا پدران بیش از پیش در ابراز محبت پدرانه از یکدیگر قصب سبق  
بربایند و با این رفتار پسندیده انسانی به کاشانه و آشیانه زندگی زناشوئی رونق و گرمی  
بخشند و در پرتو همین مهر و محبت از فرزندان و دلبندان خود مردانی شایسته و کارآمد  
و متخلق به عادات و آداب و سنن ملی و مذهبی به جامعه فردا تحویل دهند .

و - در حدیثی دیگر از رسول گرامی در باره حقوق فرزند چنین آمده است «قال رسول الله  
(ص) من حق الولد علی والده ثلثة ، یحسن اسمه و یعلمه الکتابه و یزوجه اذا بلغ» .  
رسول گرامی فرمود سه چیز از جمله حقوق فرزندان است نخست آنکه پدر نام فرزند  
خود را نیکوگذارد و دوم آنکه نوشتن بوی پیاموزد و سوم آنکه چون بمرحله رشد و بلوغ رسد  
او را همسر دهد .

باری بطور خلاصه می توان گفت که ابوت و اُسومت از پاکترین و مقدس ترین وظائف  
انسانی است که بعهد پدر و مادر نهاده شده است چه رابطه پدر فرزندی - بجز در موارد بسیار  
نادر و شاذ - بر پایه مهر و محبت و داد و الفت استوار گردیده است و در پایان لازم است بعرض  
خوانندگان گرامی مجله «مکتب مام» برسانم که سیرت مبارک رسول گرامی در مورد حقوق  
فرزندان خود نیکو سرمشتی است برای جامعه اسلام، حضرت رسول با وجود احرار مقام نبوت  
و علو منزلتی که در بین اصحاب و یاران و پیروانش داشت چون حضرت فاطمه بر پدر بزرگوارش  
وارد می شد حضرت با احترام بانوی اسلام از جای برمی خاستند و دست دختر خود را می گرفتند  
و بر رخساره اش بوسه می زدند و سپس جای خود را بعنوان ابراز محبت و علاقه بوی می دادند  
و چون حضرت رسول آهنگ سفر می کردند، فاطمه آخرین کسی بود که رسول خدا از او  
خدا حافظی می کردند و چون از سفر مراجعت می فرمود فاطمه نخستین کسی بود که بدیدار  
پدر بزرگوارش نائل می آمد و بدین ترتیب رسول گرامی عملاً مقام و منزلت فرزند را از یک  
سو و لزوم تکریم و تقدیس دختر را از سوی دیگر به خانواده ها و پدران و مادران معرفی  
و گوش زد می فرمایند رفتار ملاحظت آمیز حضرت رسول اکرم با دو فرزند دخترش حسن و حسین  
براحدی پوشیده نیست که چگونه آنحضرت دو کودک فاطمه را بر پشت خود می نشانند  
و سپس به حرکت خود ادامه می دادند و بدین ترتیب حسن و حسین را مورد لطف و عنایت  
قرار می دادند امید است مشعلی فرا راه خود سازیم و کانونهای زندگی خودمان را به کانونهای  
مهر و محبت و الفت و دوستی مبدل گردانیم این بودگفتاری درباره حقوق فرزند در خانواده  
و چنانچه توفیق رفیق و ایام مساعد گردد در مقاله آینده درباره حقوق پدر و مادر با خوانندگان  
گرامی سخن خواهیم گفت . انشاء الله .